

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵
تاریخ بررسی مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۳۹۶، دوره‌ی ششم، سال ۲۴
شماره‌ی ۱، صص: ۶۹-۹۶

تجارب والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندان: یک تحقیق

کیفی^۱

یوسف ادیب*

فاطمه مردان اربط**

چکیده

مشارکت والدین در امر تحصیل فرزندان، یکی از مباحث مهم و اساسی تعلیم و تربیت است. این امر بدان سبب بنیادی است که دانش آموزان نیمی از وقت روزانه‌ی خود را در خانه و با هدایت والدین خود می‌گذرانند. تداوم مشارکت والدین از خانه به مدرسه می‌تواند هم در بهبود تربیت فرزندان اثرگذار باشد و هم مشکلاتی را برای والدین به وجود آورد که این تحقیق به دنبال کشف تجارب مثبت و منفی والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندان در دوره ابتدایی می‌باشد. روش انجام این پژوهش از نوع کیفی و به شیوه پدیدارشناسی است. جامعه آماری پژوهش، والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهر تبریز و در سال ۹۲-۱۳۹۱ بوده است. نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب گردیدند و حجم آن با توجه به ماهیت پژوهش کیفی تا اشباع داده‌ها (۱۶) نفر ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و ژرف‌نگر گردآوری گردید و با استفاده از روش پیشنهادی اسمیت (۱۹۹۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ۹ مضمون اصلی از یافته‌ها استخراج گردید که عبارت‌اند از: دلایل اهمیت تحصیل، شرایط و امکانات، روش‌های آموزشی والدین، مشکل‌آفرینی در زندگی، دلایل مشکلات از دیدگاه والدین، تأثیر مثبت همکاری روی فرزندان، معایب همکاری والدین، راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات، پیشنهادات والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه. بحث و نتیجه‌گیری: والدین در جریان مشارکت در امر تحصیل فرزندان تجارب مثبت و منفی زیادی را به دست آورده‌اند که بر ادراکات آنان از این مشارکت و همکاری تأثیر داشته است. آشنایی برنامه‌ریزان با تجربیات والدین به‌عنوان حامیان دانش‌آموزان، نقش مهمی در رفع و یا حداقل کاهش تجربیات منفی و افزایش اثربخشی برنامه‌ها و رضایت بخشی آنان را دارد.

واژه‌های کلیدی: تجارب والدین، مشارکت در امر تحصیل، پدیدارشناسی، آینده فرزندان

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجو می‌باشد.

* استاد، دانشگاه تبریز

** کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی (گرایش برنامه‌ریزی درسی) (نویسنده مسئول)

مقدمه

والدین نقش حیاتی در تعلیم و تربیت فرزندانشان دارند و اولین مربیان آن‌ها به حساب می‌آیند و این نقش مهم را هنگامی که فرزندانشان راهی مدرسه می‌شوند، ادامه می‌دهند. هدف والدین آن است که فرزندانشان با حضور در مدارس، به علم و آگاهی دست یابند. تحقق این هدف جز با همکاری والدین امکان‌پذیر نیست (ایمانی، ۱۳۸۲). در قدیم مدارس، به‌مثابه مؤسساتی به حساب می‌آمدند که نقش والدین، فرستادن کودکان به مدرسه و حمایت از مدارس برای نظم دادن به فرزندانشان بود؛ اما امروزه این نوع مشارکت‌ها تغییر کرده است و والدین در سطوح متفاوتی در مدارس مشارکت دارند. از آنجاکه والدین نزدیک‌ترین گروه به دانش‌آموزان هستند و از تجارب مثبت و منفی فرزندان خود آگاهی دارند، اصلی‌ترین و شایسته‌ترین گروهی هستند که باید در امور مدرسه مشارکت داشته باشند. استرن^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که مشارکت والدین در مدارس، همانا مشارکت در وظیفه خودشان است که به معلمان قرض داده‌اند. مشارکت اولیا می‌تواند در شکل و مدل‌های گوناگون انجام پذیرد به‌عنوان نمونه ایشیتین و ساندرس^۲ پیوستاری از مدل‌های مشارکتی والدین به شرح زیر ارائه می‌دهند (به نقل از فیزگرال^۳، ۲۰۰۴):

- مدل حمایتی^۴: در این نوع مشارکت، والدین مسئول حمایت از تصمیمات مدرسه هستند و نقش متخصصان از والدین کاملاً متمایز است.
- مدل از خانه به مدرسه^۵: این مدل اهمیت خانواده را نمایان می‌کند اما بر ارتباط یک‌طرفه از خانه به مدرسه تأکید دارد و فرض را بر این می‌گذارد که والدین تصمیم‌های مدرسه را پذیرفته‌اند.
- مدل اغنای برنامه درسی^۶: این مدل بر مزیت‌های یادگیری مشارکتی بین والدین، متخصصان و کودکان تأکید دارد و دانش خانواده‌ها و جامعه را در برنامه‌ریزی درسی و فعالیت‌های یادگیری مهم می‌شمارد.

1- Stern
 2- Epstein & Sanders
 3- Fitzgerald
 4- protective
 5- school to home
 6- curriculum enrichment

- مدل مشارکتی^۱: این مدل بر اساس مشارکت مداوم، احترام متقابل و شرکت گسترده خانواده‌ها و متخصصان در سطوح مختلف مثل طراحی برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بنا نهاده شده است (به نقل از بلاغت، هاشمی و بهمنی، ۱۳۹۱).

مشارکت اولیا در مدرسه، نتایج مثبت و منفی فراوانی دارد، این مشارکت از یک سو شرایط آموزش و یادگیری را تسهیل کرده و به رشد همه‌جانبه کودک کمک می‌کند و انسجام و هماهنگی در ابعاد و مراحل مختلف تعلیم و تربیت به وجود می‌آورد (وفادار و جوان‌بخت اول، ۱۳۸۳). از سوی دیگر ممکن است این مشارکت‌ها باعث مختل شدن فعالیت‌های والدین، مانعی برای انجام درست وظایف و در کل باعث اختلال در چرخه زندگی والدین شود. به‌طور کلی هر میزان مشارکت والدین در تحصیل فرزندان بیشتر باشد و باعث بهبود امر یادگیری فرزندان و انجام فعالیت‌های مربوط به مدرسه شود به همان میزان باعث اختلال در زندگی والدین اعم از اختلال در انجام وظیفه، اختلال در انجام درست نقش‌ها، اختلال در مسئولیت‌پذیری، ارتباطات و دخالت عاطفی در خانه و خانواده می‌شود و مشکلاتی را برای والدین به وجود می‌آورد؛ که به این‌ها مشکلات نظام‌های خارجی و زمینه محیط بیرونی گفته می‌شود؛ و امروزه اکثر والدینی که فرزند محصل دارند چنین مشکلاتی را تجربه می‌کنند و این مشکلات را مدارس برای آن‌ها به ارمغان آورده است.

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، معمولاً به ایفای وظایف متعددی می‌پردازد. ماهیت این کارکردها و سطح اجرای آن البته از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است (کوئن، ۱۳۸۶). مک مستر، استین هاور و همکاران (به نقل از بارکر، ۱۹۸۶ ترجمه دهقانی، ۱۳۷۵) ۲ مدل از کارکرد خانواده ارائه کرده‌اند که درباره کنش خانواده (اپستین، بیشاپ و لوین^۲، ۱۹۷۳) و فرایند کارکرد خانواده (استین هاور، سانتا-باربارا و اسکینر^۳، ۱۹۸۴) می‌باشد. در این مدل‌ها، کارکرد خانواده به بخش‌هایی تقسیم شده که عبارت‌اند از: انجام وظیفه و حل مسئله. هر دو مدل اولین وظایف خانواده را به وظایف پایه، تحولی و بحرانی تقسیم می‌کنند. وظایف پایه خانواده شامل اموری مثل تأمین خوراک، پوشاک، امنیت و مراقبت بهداشتی می‌باشد. وظایف تحولی وظایفی هستند که باید برای تضمین رشد سالم اعضا، به موازات باز شدن چرخه

1- partnership

2- Bishop & Levin

3- Steinhauer, Santa-Barbara, & Skinner

زندگی انجام پذیرند مثل فرستادن کودکان به مدرسه و حمایت از آن‌ها. وظایف بحرانی شامل رویارویی با وقایع نامعمول و غیرمنتظره مثل مرگ عضوی از خانواده. البته در برخی خانواده‌ها ممکن است رویدادی که سایر خانواده‌ها به راحتی با آن کنار می‌آیند، به بحران بدل شود، برای مثال دریافت کارنامه بد کودک از مدرسه (بارکر، ۱۳۷۵). امروزه با پیشرفت علوم و فنون و تغییر سبک یادگیری و آموزش در مدارس، وظایف تحولی خانواده‌ها به طور گسترده‌ای افزایش یافته و گاهی مواقع به وظایف بحرانی تبدیل شده است. به عنوان مثال والدین برای تضمین رشد سالم فرزندان در امر تحصیل، از راهبردهایی همچون آموزش مستقیم، انجام تکالیف فرزندان یا کمک به انجام تکالیف، گرفتن معلم خصوصی، ثبت نام در آموزشگاه‌ها و کلاس‌های خصوصی و ... استفاده می‌کنند تا عملکرد تحصیلی فرزند خود را بهبود بخشند؛ اما در این میان اگر فرزند عملکرد مطلوب کسب نکند والدین دچار ناامیدی، اضطراب و نگرانی می‌شوند که همه این‌ها، شرایط بحرانی را برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد و علاوه بر وظایف تحولی گسترده، وظایف بحرانی دیگری نیز بر عهده پدر و مادر می‌گذارد که والدین مجبورند با این بحران‌ها هم‌دست و پنجه نرم کنند.

مک مستر و همکاران کارکرد دیگر خانواده را انجام نقش‌ها می‌دانند. در بسیاری از خانواده‌ها نقش‌های زیادی هست که باید ایفا گردند. مدل مک مستر و همکاران کارکردهای ضروری خانواده را شامل تأمین امور مادی، ایجاد مهارت‌های زندگی (حمایت فرزندان در مدرسه) و حفظ و کنترل سیستم خانواده (سرپرستی خانواده و فرایند تصمیم‌گیری) می‌دانند. طبق این مدل، با ورود فرزند به مدرسه، نقش والدین، خصوصاً مادر، تغییر می‌یابد مادر علاوه بر وظایف مادری و وظیفه همسری، باید نقش یک معلم را نیز برای فرزندش بازی کند چون بدون یاری والدین خصوصاً مادران، کودکان در مراحل اولیه تحصیل قادر به انجام تکالیف خود نیستند؛ بنابراین مادران با ایفای این نقش، در سایر نقش‌های خود دچار مشکل می‌شوند و نمی‌توانند به نحو احسن وظایف دیگرشان را به انجام برسانند که باعث مختل شدن کارهای روزانه، مشکلات روحی و روانی، مشکلاتی در روابط و ارتباطات خانوادگی و زناشویی می‌گردد. بعد دیگر کارکرد خانواده در این مدل، دخالت عاطفی می‌باشد که به درجه و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم مربوط است (استین هاور و همکاران، ۱۹۸۴). خانواده نیازهای هیجانی همه اعضایش را برآورده می‌کند تا به مرحله‌ای از رشد برسند. با

ورود فرزندان به مدرسه و شروع درس و مشق، نگرانی پدر و مادر بیشتر شده و دلسوزانه در امر تحصیل فرزندان دخالت می‌کنند؛ چون همه والدین به دنبال آینده بهتر برای فرزندان خود هستند، خصوصاً این نگرانی‌ها و ابراز عاطفی برای مادران بیشتر از پدران می‌باشد. آخرین بعد از کارکرد خانواده، ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد که این کارکرد فرایند ارزش‌های مذهبی و اخلاقی و هنجارهای خانواده را مدنظر قرار می‌دهد. امروزه در خانواده‌ها، تحصیل فرزندان و رسیدن به مدارج عالی علمی به ارزش‌های بی‌بدیل تبدیل شده است و این ارزش‌های جدید، بار سنگینی را بر دوش خانواده‌ها می‌گذارد و والدین خود را موظف می‌دانند تا با فراهم آوردن انواع امکانات از جمله ثبت‌نام در کلاس‌های تقویتی و انواع آزمون‌ها، ورود فرزندان را به مدارس تیزهوشان و دانشگاه‌های معتبر، تسهیل نمایند؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که مدرسه به عنوان یک نظام خارجی با زمینه محیط بیرونی علاوه بر نقش مهم تعلیمی و تربیتی، ممکن است مشکلاتی را برای خانواده به وجود آورد که ممکن است در آینده، روی کارکرد خانواده اثرات منفی داشته باشد.

با عنایت به آنچه گفته شد هدف این تحقیق کشف و توصیف عمیق تجربیات والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندانشان است تا بتوان اولاً تأثیرات مثبت و منفی (مشکلات) همکاری والدین را شناسایی نموده و ثانیاً راه‌حل و راهنمایی‌هایی مناسب جهت رفع و یا حداقل کاهش تجربیات منفی و کاهش مشکلات ارائه داده و بتوان تأثیرات مثبت این همکاری را افزایش داد و از آن در اجرا و بهبود نتایج برنامه درسی بهره گرفت.

مواد و روش‌ها

این مطالعه به روش پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی که هدف آن درک ساختار اصلی پدیده‌های تجربه‌شده انسانی از طریق تجزیه و تحلیل توضیحات شفاهی شرکت‌کنندگان می‌باشد انجام شده است. پدیدارشناسی هم یک رویکرد در پژوهش کیفی و هم یک رویکرد فلسفی در مواجهه با دنیای پیرامون ماست. این روش تحقیق، به دنبال روشن ساختن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه‌شده و توصیف دقیق آن از طریق تجزیه و تحلیل تجارب افراد می‌باشد. یکی از موارد مناسب برای کاربرد روش پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا نیاز به روشن‌سازی بیشتر پدیده‌ای خاص وجود دارد؟ که شواهد آن می‌تواند میزان کم تحقیقات و

مطالعات درباره‌ی آن پدیده و یا نیاز به توصیف و توضیح عمیق‌تر آن باشد (صلصالی و همکاران، ۱۳۸۲)؛ بنابراین در این تحقیق، پدیده مشارکت والدین در امر تحصیل فرزندانشان و اثرات (مثبت و منفی) و روابط انسانی تجربه‌شده در پدیده مشارکت، از دیدگاه والدین کودکان دبستانی بررسی می‌شود که معطوف به مسائل روزمره و مسائل عمومی و خصوصی و تجربه کردن موقعیت می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تبریز در سال ۹۲-۱۳۹۱ تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند آغاز شده و تا اشباع داده‌ها (عدم دریافت اطلاعات و داده‌های جدید) ادامه یافت که در نهایت تعداد والدین شرکت‌کننده در پژوهش به ۱۶ نفر رسید. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های عمیق نیمه سازمان‌یافته استفاده گردید. مدت مصاحبه به‌طور متوسط ۴۰ دقیقه بود. کلیه مصاحبه‌ها ضبط شده و در پایان مطالب ضبط‌شده، دقیقاً بر روی کاغذ پیاده گردیدند و پس از تجزیه و تحلیل، مصاحبه بعدی صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش پیشنهادی اسمیت^۱ (اسمیت، ۱۹۹۵ به نقل از ادیب، حاج باقری پرهیزی و صلصالی، ۱۳۸۹) استفاده شده است. اسمیت سه مرحله را برای تحلیل داده‌ها در روش پدیدارشناسی پیشنهاد کرده است:

- ۱- تولید داده‌ها،
- ۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها و
- ۳- تلفیق مورد‌ها.

مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل ۴ مرحله می‌باشد:

- ۱- مواجهه اولیه: خواندن و بازخوانی یک مورد
- ۲- تشخیص و برچسب زدن به مقوله‌ها
- ۳- فهرست کردن و خوشه‌بندی مقوله‌ها
- ۴- ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی (همان منبع).

در تحقیق حاضر پس از اینکه متن مصاحبه‌ها تهیه شد محقق به خواندن و بازخوانی مکرر متن هر یک از مصاحبه‌ها پرداخت و مقوله‌های جزئی و فرعی تعیین و برچسب زده شد. پس از آن مقوله‌ها سازمان‌دهی و خوشه‌بندی شدند بدین معنا که با استمرار مقایسه و لحاظ کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های مقوله‌های فرعی، مقوله‌های کلی‌تر استخراج شد. سپس برای هر یک از مصاحبه‌ها یک جدول خلاصه‌سازی از مقوله‌های سازمان‌دهی شده تدوین شد (که

1- Smith

شامل سه ستون "خوشه‌ها و مقوله‌ها"، "نقل قول کوتاه"، "شماره صفحه و سطر" بوده است) و در نهایت از طریق تلفیق، فهرست کاملی از مقوله‌ها استخراج شدند. جهت اطمینان از کیفیت پژوهش، پژوهشگر سعی نمود با برقراری ارتباط مناسب و جلب اعتماد والدین در طی مصاحبه، بررسی مداوم داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها در اولین فرصت پس از اتمام هر مصاحبه و نیز استفاده از نتایج آن برای تعیین کفایت داده‌ها، عودت نتایج مصاحبه به مشارکت‌کننده‌ها و استفاده از نظرات اصلاحی آنان و مرور بعضی از مقوله‌های استخراج شده با تعدادی از شرکت‌کنندگان سعی نمود تا بر صحت و تأییدپذیری داده‌های پژوهش بیفزاید.

یافته‌ها

۹ مضمون اصلی و چندین مضمون فرعی از داده‌ها استخراج شد که می‌تواند تجربیات والدین از مشارکت را در امر تحصیل فرزندانشان به تصویر بکشد. این مضامین عبارت‌اند از: دلایل اهمیت تحصیل، شرایط و امکانات، روش‌های آموزشی والدین، مشکل آفرینی در زندگی، دلایل مشکلات از دیدگاه والدین، تأثیر مثبت همکاری روی فرزندان، معایب همکاری والدین، راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات، پیشنهادهاى والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه.

مضمون اصلی (۱): دلایل اهمیت تحصیل: اولین مضمون دلایل اهمیت تحصیل از دیدگاه والدین است که شامل ۲ مضمون فرعی آینده فرزندان و یادگیری و دانایی می‌باشد.

۱-۱) **آینده فرزندان:** اکثر خانواده‌ها بیش از حد نگران آینده تحصیلی و شغلی فرزندان خود بوده و تمام سعی و تلاش آن‌ها برای ایجاد بستری مناسب در زمینه‌ی تحصیل و اشتغال فرزندانشان است. در این قسمت کلیه والدین مسئله آینده فرزندان یعنی سازگاری با جامعه در حال پیشرفت، آینده شغلی، پیشرفت کردن، قوی بار آمدن در آینده، برخورداری از توان مالی در آینده و سربلندی در آینده را از مهم‌ترین دلایل اهمیت درس می‌دانند که بعضی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

"یک آدم بی‌سواد در این زمانه نمی‌تواند زندگی‌اش را آن طوری که باید و شاید ادامه دهد و مسئله بعدی شغل آینده فرزندم هست که باعث شده درسش برای ما مهم باشد." [پاسخگوی

شماره ۱].

۱-۲) یادگیری و دانایی: آموزش و پرورش باید به افراد چگونه یادگرفتن را در دنیای کنونی یاد دهد چنانچه افراد جامعه‌ای احساس کنند پیوسته در حال یادگیری هستند، می‌توان به سعادت و کامیابی افراد آن جامعه امیدوار بود. از نظر برخی از والدین درس فرزندشان از این جهت مهم است که فرزندشان بتواند یاد بگیرد چون یادگیری باعث توانمندی آن‌ها می‌شود. *"می‌خواهم بچه‌ام تحصیل کرده باشد و همه چیز را بلد باشد."* [پاسخگوی شماره ۸]. *"نه ماه زحمت می‌کشم و وقت می‌گذارم بچه می‌رود مدرسه، باید بتواند بازمان پیش برود و همه چیز را یاد بگیرد."* [پاسخگوی شماره ۱۵].

مضمون اصلی (۲): شرایط و امکانات: دومین مضمون استخراج شده از تجارب والدین، شرایط و امکانات می‌باشد از جمله شرایط و امکاناتی که والدین برای فرزندانشان فراهم می‌کنند شامل: برطرف کردن نیازهای اولیه، برقراری آرامش و سکوت، تدارک وسایل و امکانات مربوط به درس، معلم خصوصی، اختصاص وقت می‌باشد.

۱-۲) برطرف کردن نیازهای اولیه: تا زمانی که نیازهای اولیه کودکان برطرف نشود یادگیری امکان‌پذیر نمی‌باشد چون برطرف شدن نیازهای اولیه، انگیزش بیشتری برای فعالیت‌های بعدی فراهم می‌کند به همین خاطر اکثر والدین نیز مهم‌ترین شرط برای درس خواندن را برطرف کردن نیازهای اولیه کودک می‌دانند. بعضی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

"بچه که از مدرسه می‌آید بلافاصله هیچ چیز یاد نخواهد گرفت چون نیاز است که غذا بخورد، آرامش پیدا کند، استراحتی کرده باشد تا راحت درس بخواند." [پاسخگوی شماره ۴].

۲-۲) برقراری آرامش و سکوت: یکی از شرایط اساسی مطالعه، تمرکز حواس است که در سایه سکوت و آرامش به دست می‌آید به نظر تعدادی از والدین اتاق مخصوص، خلوت کردن منزل و خاموش کردن تلویزیون به هنگام رسیدگی به تکالیف فرزندشان از عواملی است که باعث افزایش تمرکز حواس می‌شود؛ که در زیر برخی از نظرات والدین به‌عنوان نمونه آورده شده است:

یکی از مادران این چنین نقل می‌کند: *"اول منزل را خلوت می‌کنیم، فامیل و همسایه می‌دانند بچه درس دارد بعد از ظهرها خانه ما نمی‌آیند و در یک اتاق مخصوص به درسش می‌رسم برای*

اینکه حواسش پرت نشود." [پاسخگوی شماره ۱].

۲-۳) تدارک وسایل و امکانات مربوط به درس: وسایل کمک آموزشی عامل افزای بازدهی آموزشی از لحاظ کمی و کیفی است و نیز این گونه وسایل عامل عینیت بخشیدن به محتوای دروس می باشد و والدین نیز به تأثیرات این وسایل آگاهی یافته اند و در امر تحصیل فرزندشان از این وسایل استفاده می کنند.

"حروف الفبای پلاستیکی تهیه کرده ایم، پازل ها و اعداد پلاستیکی که تو دستش درست کند." [پاسخگوی شماره ۴].

مشارکت کننده دیگری، وسایل لازم برای یادگیری درس فرزندش را این گونه بیان می کند: "هر چی که راجع به کتاب درسی باشد تهیه می کنیم مثل پرتو دانش، گاج و سی دی های کمک درسی برایش تهیه کرده ایم و من هم همراه با بچه به سی دی ها نگاه می کنم تا تشویق بشود." [پاسخگوی شماره ۵].

۲-۴) معلم خصوصی: برخی از والدین مجبورند برای پیشرفت فرزندشان در برخی دروس به کلاس های خصوصی پناه ببرند چون سطح تدریس برخی معلمان پایین است و هنگام تدریس دروسی مثل ریاضی فقط به تمرینات خود کتاب اتکا می کنند و تمرینات اضافی حل نمی کنند که اظهارات چند تن از والدین در این زمینه برای نمونه بیان می شود: "در درس ریاضی به کلاس خصوصی می فرستم چون معلم در کلاس با بچه ها زیاد کار نمی کند." [پاسخگوی شماره ۴].

۲-۵) اختصاص وقت (مدت زمان مشارکت): یکی از امکانات والدین برای فرزندان، اختصاص وقت زیاد به درس و مشق آنهاست تا پیشرفت بیشتری حاصل شود و نواقص مربوط به درس و مشق رفع شود و والدین ظاهراً چاره ای جز اختصاص وقت ندارند که برخی مادران نحوه رسیدگی به تکالیف فرزندان را به این صورت توصیف کرده اند: "تقریباً ۳ ساعت به درس بچه وقت می گذارم تا ۳/۳۰ ناهار می خورد، استراحت می کند ۳/۳۰ تا ۶/۳۰ الی ۷ درس هایش را می خواند منم همراه با او به درس هایش می رسم." [پاسخگوی شماره ۱].

"بیشتر از نصف وقت من صرف درس بچه می شود چون اگر من نباشم اصلاً به درس توجه نمی کند حدوداً ۳ ساعت کمکش می کنم." [پاسخگوی شماره ۲].

مضمون اصلی (۳): روش‌های آموزشی والدین: از جمله مضامین مهم استخراج شده از نظرات والدین، روش‌های آموزشی والدین در کمک و همکاری به فرزندان می‌باشد. والدین از روش‌های مختلفی برای تفهیم مطالب استفاده می‌کنند که شامل توضیح به زبان مادری، پرسش و پاسخ می‌باشد.

۱-۳) توضیح به زبان مادری: کودکان دوزبانه، مشکلات بیشتری در مسائل آموزشی تجربه می‌کنند و والدین مجبورند آنچه در مدرسه آموزش داده می‌شود را دوباره به زبان مادری در قالب توضیحات شفاهی و نقل داستان ترجمه کنند تا درک کودک افزایش یابد والدین در گفته‌هایشان کم‌وبیش به این مشکل اشاره کرده‌اند.

مادر کم‌سوادی می‌گوید: "در درس علوم اگر فرزندم درس را یاد نگرفته باشد مجبورم به ترکی مثال بزنم و برای تکمیل داستان‌های ناتمام، به ترکی راهنمایی‌اش می‌کنم مثلاً داستان‌های خانه خودمان را برایش تعریف می‌کنم." [پاسخگوی شماره ۱].

دو مادر دیگر نحوه آموزش‌شان را این‌چنین بیان می‌کنند: "به ترکی سعی می‌کنم بفهمانم و با عکس و توضیحات کتاب هم سعی می‌کنم یادش بدهم بعد ترکی‌ها را به فارسی برمی‌گردانم که الان این‌طوری گفتم." [پاسخگوی شماره ۲].

۲-۳) پرسش و پاسخ برای تمرین و تکرار: در مصاحبه‌ای که روی ۱۶ تن از مادران انجام شد بیشتر مادران تنها یک روش آموزشی را برای یادگیری فرزندانشان به کار می‌گیرند و آن‌هم پرسش و پاسخ می‌باشد که فقط باهدف به حافظه سپردن اطلاعات می‌باشد و والدین روش‌های دیگری را بلد نیستند.

"اول می‌گویم حفظیات را بفهم و درک کن، بعد سؤالات را یکی‌یکی می‌پرسم." [پاسخگوی شماره ۷].

"معلمشان سؤالات را در ورقه چاپ می‌کند و می‌دهد و من آن‌ها را از فرزندم می‌پرسم." [پاسخگوی شماره ۱۱].

مضمون اصلی (۴): مشکل آفرینی در زندگی: در این پژوهش همه والدین تأکید کردند که همیشه با درس‌ومشق فرزندان درگیر هستند و مسائل تحصیلی فرزندان، زندگی خانوادگی آنان را تحت تأثیر قرار داده است که با توجه به موارد مطرح‌شده در رابطه با این مضمون، از اظهارات والدین، ۵ مضمون فرعی شامل مختل شدن کارهای روزانه، تأثیر در روابط زناشویی

و خانوادگی، مشکلات روحی و روانی، مشکلات مالی، اختلال در اوقات فراغت، به دست آمد. ۴-۱) **مختل شدن کارهای روزانه:** اکثر والدین بر این باورند که برنامه‌های درسی فرزندان، بیشتر وقت آن‌ها را می‌گیرد و باعث مختل شدن کارهای آنان می‌گردد و مانع از انجام وظایف آن‌ها می‌شود

که بعضی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

مادر خانه‌داری می‌گوید: "خب، بالطبع اگر بخواهم حق مادری را ادا کنم و برای بچه مادری کنم سعی می‌کنم وقتی بچه در مدرسه هست هر طور شده کارهای خانه را تمام کنم، جوری کارهایم را ردیف می‌کنم که او موقع برگشتن از مدرسه به مشکلی دچار نشود، کارهای خانه تمام‌شدنی نیست، درس بچه هم تمامی ندارد." [پاسخگوی شماره ۴].

"وقتم صرف بچه می‌شود از کارهایم می‌مانم. بالاخره ما هم کارهای شخصی داریم که نمی‌توانیم به آن‌ها برسیم. درس بچه‌ها در زندگی تأثیر می‌گذارد مثلاً برنامه‌هایی که می‌ریزیم درس بچه خرابش می‌کند." [پاسخگوی شماره ۷].

۴-۲) **تأثیر در روابط زناشویی و خانوادگی:** درس و مشق فرزندان، بر روابط خانوادگی و زناشویی نیز تأثیر گذاشته است. اظهارات چند تن از مادران گویای این مطلب می‌باشد:

"به خاطر درس بچه و مشکلات زندگی به خودم فشار می‌آورم. بعضی مواقع با همسرم قهر می‌کنم، همسرم هم می‌گوید منم مشکلات دارم به همین خاطر نمی‌توانم با تو همکاری کنم." [پاسخگوی شماره ۱].

"همین‌که من می‌روم اتاق بچه تا درس یاد بدهم پدرش تنها می‌ماند و می‌گوید من وقتی می‌آیم خانه این‌ها می‌روند اتاق دیگر. بالاخره او هم نیاز دارد نیم ساعت پیش خانواده‌اش بنشیند و درد و دل کند." [پاسخگوی شماره ۴].

۴-۳) **مشکلات روحی و روانی:** تکالیف و درس فرزندان بر اعصاب و روان والدین تأثیر بسزایی می‌گذارد و استرس و فشارات بیشتری بر والدین وارد می‌کند و در صورت عدم موفقیت فرزند، ناراحتی‌هایی برای والدین ایجاد می‌شود. بیشتر والدین، این موضوع را، این‌گونه توصیف می‌کنند.

"در مورد اعصابم می‌توانم بگویم که بچه مغزش می‌کشد و مشکلات ندارد و هنوز کودک است و می‌تواند درسش را راحت بخواند ولی من دیگر اعصابم نمی‌کشد از یک طرف می‌بینم

کارهایمان مانده، مهمان می‌آید، در می‌زنند و... و از طرف دیگر بچه می‌گوید درس‌هایمان ماند به همین خاطر استرس می‌کشم." [پاسخگوی شماره ۱].

"الآن یک‌جوری شده که نمره نیست و کارت تشویق می‌دهند اگر بچه در املا یک دندانه کم بگذارد دیگر کارت تشویقی نیست بچه هم ناراحت و غمگین از مدرسه می‌آید که کارت تشویق نگرفتم و هرچقدر توضیح دهم راضی نمی‌شود این کارها هم ما را در خانه ناراحت می‌کند." [پاسخگوی شماره ۲].

"زلحاظ اعصاب، خودم خیلی خسته می‌شوم مخصوصاً زمانی که فرزندم بلد نباشد تا بچه بتواند یاد بگیرد خیلی طول می‌کشد و حوصله زیادی می‌خواهد." [پاسخگوی شماره ۳].

۴-۴) مشکلات مالی: مسائل مالی یکی از مشکلاتی است که امروزه گریبان گیر بسیاری از خانواده‌ها می‌باشد. همین مسائل و مشکلات است که دیگر فرصتی به پدر و مادرها نمی‌دهد تا به دیگر مسائل خانواده بپردازند و در جهت تأمین آن مسائل کوشش کنند. که در این میان هزینه‌های تحصیلی فرزندان برافزایش مشکلات مالی دامن می‌زند:

برخی از والدین می‌گویند: "برای انجام آزمایش‌ها بعضی مواقع وسایل پیدا نمی‌کنیم، هزینه‌ها هم خیلی بالاست، برای هر چیز کاردستی می‌خواهند." [پاسخگوی شماره ۱].
 "در این دور و زمونه مدرسه رفتن یک کودک، هزینه‌اش خیلی زیاد است و برای پدر و مادر گران تمام می‌شود." [پاسخگوی شماره ۴].

"هزینه‌های کاردستی خیلی زیاد است علی‌الخصوص امسال معلمشان برای هر درس کاردستی می‌خواهد که باید درست کنیم. هرچور باشد مشکل پیش می‌آید چون می‌بینی در یک هفته سه تا کاردستی می‌گویند آدم نمی‌تواند بخرد، قیمتش زیاد است." [پاسخگوی شماره ۷].

پدر میوه‌فروشی هزینه‌های تحصیلی فرزندش را این‌چنین توصیف می‌کند: "به جزء مانتو و شلوار، صد هزار تومان فقط برای لوازم‌التحریر و وسایل دیگر خرج کرده‌ام، هزینه کتاب‌ها، هزینه کپی که خیلی زیاد است و سؤالات را باید کپی کنیم تا بچه‌ها جواب دهند، بعد هزینه‌های جاری مثل ملاد و پاک‌کن و... که هرماه اضافه می‌شود و چون شغلم میوه‌فروشی است اگر بازار میوه خوب نباشد برایم مشکل ایجاد می‌شود." [پاسخگوی شماره ۱۶].

۴-۵) اختلال در اوقات فراغت: والدین برنامه‌هایی برای اوقات فراغت خود دارند که تکالیف فرزندان، مانع از آن می‌شود که اظهارات چند تن از والدین، در این رابطه به شرح زیر

می‌باشد.

"خانه مادرم یک ماه است نرفته‌ام چون قبل از ظهر کارهای خانه و بعد از ظهر هم درس بچه مانع می‌شود خیلی وقت‌ها به مهمانی هم دعوت می‌کنند نمی‌رویم." [پاسخگوی شماره ۱].

"سعی می‌کنم کمتر بیرون بروم که اگر بیرون بروم سرتاپا به مشکل برمی‌خوریم چون بچه‌ها می‌گویند از درس عقب افتادیم یا امتحان داریم که نتوانستیم نگاه کنیم." [پاسخگوی شماره ۲].

"سعی می‌کنم زیاد بیرون نروم، جمعه بیرون نمی‌رویم چون جمعه استراحت می‌کند تا برای روز بعد آماده شود. اگر یکجایی بنخواهیم برویم می‌گوید مامان من درس دارم، حتی خریدهای عید را نرفتیم که بچه درس دارد." [پاسخگوی شماره ۳].

مضمون اصلی (۵): دلایل مشکلات از دیدگاه والدین: والدین برای مشکلات ایجادشده دلایلی ارائه کرده‌اند که از اظهارات والدین در این زمینه ۳ مضمون فرعی شامل بالا بودن سطح کتاب‌ها و عدم توانایی دانش‌آموزان، ناکارآمدی معلمان، انتظارات بالا و چشم و هم‌چشمی، استخراج شد.

۱-۵) بالا بودن سطح کتاب‌ها و عدم توانایی دانش‌آموزان: والدین در این مصاحبه اعتقاد داشتند که سطح کتاب‌ها با توانایی‌های فرزندانشان متناسب نیست و کتاب‌ها در سطح بالایی تدوین شده‌اند که دشواری‌هایی برای اولیا و فرزندان آن‌ها به وجود می‌آورد. به همین دلیل نظر بیشتر والدین با همدیگر همسویی دارد:

"سطح کتاب‌ها بالاست الآن سوالاتی در کتاب‌ها است که در زمان ما در کتاب‌های دوره راهنمایی بود." [پاسخگوی شماره ۱].

"تقریباً این دو سالی که بچه من به مدرسه می‌رود سطح کتاب‌ها خیلی بالا رفته، به هر که می‌گوییم می‌گویند این‌ها مطالب کلاس سوم است که در کتاب‌های سال اول گنجانده‌اند. سطح کتاب‌ها باعث فشار بر مغز بچه‌ها می‌شود." [پاسخگوی شماره ۳].

"الآن درس‌ها یه خورده سخت شده زمان ما از این آسان‌تر بود، درک مسائل راحت بود الآن اصلاً ذهن بچه‌ها نمی‌کشد خیلی سخت شده. این را باید کم کم سخت می‌کردند، بچه‌ها را خیلی خسته می‌کنند و از درس زده می‌کنند و بچه می‌گویند دیگر نمی‌خواهم درس بخوانم." [پاسخگوی شماره ۷].

۲-۵) **ناکارآمدی معلمان:** از جمله مسائلی که والدین برای دلایل مشکلات ارائه کردند می‌توان به انتظارات بالای معلمان، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی، تخصص پایین معلمان، کمبود امکانات، تعداد زیاد دانش‌آموزان در یک کلاس اشاره کرد. در این خصوص نظرات برخی از والدین به شرح زیر مطرح می‌گردد:

"مدرسه بیشتر کارهایش را به ما واگذار کرده و وقتی اعتراض می‌کنیم می‌گویند که به ما از اداره نامه آمده است که این‌طوری تدریس کنید، معلم بیشتر وظایفش را به گردن ما می‌اندازد می‌گوید شما قلق فرزندتان را بهتر می‌دانید و می‌دانید چطور از فرزندتان درس بپرسید. آموزش‌های مدرسه آن‌قدر کم است که اگر خودم زحمت نکشم بچه‌ام نمی‌تواند تنها با کمک مدرسه پیش رود." [پاسخگوی شماره ۱]

"توقع معلمان بالا رفته هرروز یک تکلیف می‌خواهند قدیم این‌گونه نبود یک کاردستی درست می‌کردند آن‌هم در کلاس. یا معلم خودش می‌آورد نشان می‌داد و کافی بود ولی الآن هیچ معلمی از خود مایه نمی‌گذارد مثلاً هرروز می‌گویند فلان پازل را باید درست کنید یا برای علوم فلان کاردستی را باید درست کنید و بیاورید، معلمان قدیم از این معلمان دلسوزتر بودند. علاوه بر این‌ها به تفاوت‌های فردی در مدرسه توجه نمی‌شود هر بچه‌ای تیزهوش نیست، هر بچه‌ای در حد بیست نیست چون ممکن است ذهن بچه‌ای کشش داشته باشد ولی بچه دیگر نه." [پاسخگوی شماره ۴].

۳-۵) **انتظارات بالا و چشم و هم‌چشمی:** انتظارات بالای بچه‌ها در خصوص داشتن امکانات و وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی و هم‌چنین چشم و هم‌چشمی والدین برای آوردن نمرات بالا از جمله یکی از دلایل مشکلات می‌باشد. دو تن از مادران صادقانه چشم و هم‌چشمی خودشان و انتظارات بالای بچه‌های امروزی را این‌گونه بیان می‌کنند:

"در همه مادران چشم و هم‌چشمی هست چون هر مادری دوست دارد بچه‌اش زرنگ باشد و به همین خاطر تمام تلاش خود را می‌کند تا بچه‌اش نمره بالاتری از همه کسب کند." [پاسخگوی شماره ۷].

"ادعای بچه‌ها هم زیاد است امروز این مداد رنگی را می‌خواهند فردا آن مداد تراش را می‌خواهند و هزینه کردن برای بچه‌ها عادی شده است." [پاسخگوی شماره ۱۱].

مضمون اصلی (۶): تأثیر مثبت همکاری روی فرزندان: همکاری اولیا با فرزندان نتایج

مثبت زیادی برای فرزندان به دنبال دارد که از اظهارات والدین در این خصوص دو مضمون فرعی استخراج شد که شامل عمیق شدن یادگیری و افزایش خودکارآمدی می‌باشد.

۶-۱) **عمیق شدن یادگیری:** زمانی که فراگیران برای انجام وظایف یادگیری خود فعالیت می‌کنند و سعی می‌کنند تا تجزیه و تحلیل و برداشت‌های خود را از موضوع مورد مطالعه ارائه داده و در جهت گسترش و ارتقای آن تلاش می‌کنند یادگیری خود را عمق بخشیده‌اند و والدین با همکاری و مشارکت و با روش‌های آموزشی خود (نقل داستان، توضیح به زبان مادری، پرسش و پاسخ) در عمق‌بخشی به یادگیری فرزندان سهیم می‌شوند. برخی والدین تأثیر همکاری‌شان را روی فرزندان چنین توصیف می‌کنند.

"چون معلم درس را یک‌بار می‌گوید و رد می‌شود و درس‌ها هم که سخت است. برای بچه باید مثال، تمرین و تکرار شود که همه آن‌ها را، ما در خانه انجام می‌دهیم." [پاسخگوی شماره ۱].

"برای این‌که بچه خوب یاد بگیرد باید خیلی تمرین و تکرار شود و معلم هم چنان فرصتی ندارد که در کلاس بخواهد مطالب را تکرار و تمرین کند پس در نتیجه ما موظفیم با روش‌های متعدد، یادگیری را برای فرزندان تسهیل و تعمیق کنیم." [پاسخگوی شماره ۴].

۶-۲) **افزایش خودکارآمدی:** بیشتر والدین اشاره کردند که همکاری و مشارکت ما باعث شده است که انگیزه فرزندان به درس خواندن بالا رود، اعتماد به نفس پیدا کرده و احساس مهم بودن کند و توجهش به درس بیشتر شود که همه این‌ها باعث افزایش خودکارآمدی بچه‌ها می‌شود که در زیر به چند نمونه از اظهارات والدین در این زمینه اشاره می‌کنیم:

"بچه متوجه می‌شود که ما به فکر او هستیم، مدرسه برای ما مهم است و ما مدرسه را مکانی مهم تلقی می‌کنیم به همین خاطر انگیزه پیدا می‌کند." [پاسخگوی شماره ۱].

"وقتی همکاری می‌کنم و کار دستی درست می‌کنم خیلی خوشحال می‌شود یا مثلاً وقتی به بچه درس یاد می‌دهم روش‌های دیگر را هم می‌گویم فرزندم می‌گوید اگر این روش اشتباه باشد مقصر تویی، منم می‌گویم اگر اشتباه باشد، با من تا حدی با این کارم اعتماد به نفسش را بالا می‌برم که ترس درست است. بگذار اعتماد داشته باشد که من از خانه، کامل به مدرسه می‌فرستمش." [پاسخگوی شماره ۴].

مضمون اصلی (۷): **معایب همکاری والدین:** یکی از مضامین استخراج‌شده از تجارب

والدین، معایب همکاری آنان با فرزندان است که شامل ۲ مضمون فرعی وابستگی به والدین و دلزده شدن از درس به خاطر فشار بیشتر می‌باشد.

۷-۱) **وابستگی به والدین:** تعدادی از والدین در این باره اشاره کردند که همکاری ما باعث شده بچه‌ها به ما وابسته شوند و اگر کنارشان نباشیم درس نمی‌خوانند، باید همیشه کنارشان باشیم تا تکالیفشان را انجام دهند. از طرف دیگر با همکاری والدین بچه‌ها از انجام تکالیف شانه خالی کرده و بیشتر کارهایشان را به والدین واگذار می‌کنند که اظهارات چند تن از والدین گویای این مطلب می‌باشد:

"بچه خیلی حساسیت نشان می‌دهد که اگر تو جایی بروی درس من می‌ماند. با کس دیگری هم نمی‌تواند درس بخواند باید خودم بالای سرش باشم. فکر می‌کند شخص دیگری مثل من نمی‌تواند به او یاد بدهد." [پاسخگوی شماره ۱].

"بچه‌ام می‌گوید بنشین کنار من تا درس‌هایم را بنویسم اگر کنارش نباشم روی سؤالات را می‌نویسد جواب‌ها را حتی اگر بلد هم باشد نمی‌نویسد و می‌گوید تو باید بیایی کنارم تا بنویسم." [پاسخگوی شماره ۵].

۷-۲) **دلزده شدن از درس به خاطر فشار بیشتر:** همکاری و حساسیت بیش از حد والدین همیشه هم خوب نیست و گاهی اوقات باعث دلزده شدن فرزندان از درس و مدرسه می‌شود که اظهارات دو تن از والدین برای نمونه ارائه می‌شود:

"من خیلی حساسم باید همیشه کنارش باشم، بپرسم که بینم همه‌چیز را بلد است. خودم می‌بینم که بلد است ولی باید بپرسم تا خیالم راحت شود اگر نپرسم از درون خودم راضی نمی‌شوم حتی صبح موقع رفتن به مدرسه وقتی بند کفشش را می‌بندد من مرتب از او لغت می‌پرسم. به همین خاطر، همیشه بچه می‌گوید مامان دیگر خسته شدم چقدر می‌پرسی من همه‌چیز را بلدم چقدر باید تکرار کنم. این کارم باعث دلزده شدن فرزندم می‌شود ولی دست خودم نیست." [پاسخگوی شماره ۱۵].

"اگر بیشتر به بچه فشار بیاورم می‌بینم از درس زده می‌شود و می‌گوید من دیگر این درس را نمی‌خوانم." [پاسخگوی شماره ۱۶].

مضمون اصلی (۸): راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات: یکی دیگر از مضمون‌هایی که از تجربیات والدین استخراج گردید «راهکارهای والدین برای جلوگیری از

مشکلات» است؛ که شامل ۲ مضمون فرعی افزایش صبر و تحمل و جلب رضایت فرزندان می‌باشد.

۸-۱) **افزایش صبر و تحمل:** یکی از راهکارهای والدین در برابر مشکلات تحصیلی فرزندان صبر و تحمل کردن می‌باشد که دور شدن از محیط دعوا و روی آوردن به معنویات نمونه‌های آشکار صبر و تحمل در برابر سختی‌های درس و مشق فرزندان است که اظهارات چند تن از والدین گویای این مطلب است:

"باید حوصله کنیم، من همیشه سعی می‌کنم همه چیز را از ذهنم بیرون کنم و به آن‌ها فکر نکنم مثل کارهای خانه، شام گذاشتن و ... تا اعصابم خورد نشود و صلح برقرار شود." [پاسخگوی شماره ۱].

"برای جلوگیری از عصبانیت، یک لحظه چشم‌هایم را می‌بندم و صلوات می‌فرستم تا به آرامش برسم." [پاسخگوی شماره ۱۶].

۸-۲) **جلب رضایت فرزندان:** یکی دیگر از راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات، جلب رضایت فرزندان است که والدین با روش‌هایی مانند تشویق و راهنمایی کردن باعث پیشرفت فرزندان می‌شوند و معتقدند که جلب رضایت فرزندان نتایج بسیار زیادی دارد که اظهارات چند تن از والدین نمایانگر این موضوع می‌باشد:

"تقریباً با خوشی سعی می‌کنم بگویم نه با زور، چون برایش سخت می‌شود. سعی می‌کنم به حرفش گوش بدهم. هم‌چنین پدرش نیز کوتاه می‌آید چون می‌گوید الآن فرزند سالاری است." [پاسخگوی شماره ۳].

پدری می‌گوید: "ما باید از بچه‌ها حمایت کنیم و پشتیبانشان باشیم و به حرفشان گوش دهیم تا از مشکلاتشان آگاهی پیدا کنیم." [پاسخگوی شماره ۱۱].

مضمون اصلی (۹): پیشنهادهای والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه: آخرین مضمون استخراج شده از تجربیات والدین، پیشنهادهای والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه است که شامل ۴ مضمون فرعی پایین آوردن سطح کتاب‌ها، اصلاح رفتارهای آموزشی و پرورشی معلمان، ترتیب جلسات اولیا و مربیان و تغییر سیستم ارزشیابی می‌باشد.

۹-۱) **پایین آوردن سطح کتاب‌ها:** یکی از معیارهای اصلی در انتخاب محتوای برنامه درسی، قابلیت یادگیری است گاهی محتوای انتخاب شده به علت عدم تناسب با ویژگی‌ها و

تجربیات فراگیر مشکل است و گاهی به علت سازمان‌دهی نامناسب محتوا یادگیری مؤثر انجام نمی‌پذیرد که والدین نیز به این امر تأکید کردند که محتوای کتاب‌های درسی فرزندانشان خارج از توانایی آنان است و خواسته والدین این بود که برنامه‌ریزان، از دشواری محتوا بکاهند و هماهنگی و تناسب را در انتخاب محتوا در نظر بگیرند که بعضی از گفته‌های والدین در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

"آموزش و پرورش باید سطح کتاب‌ها را پایین بیاورد." [پاسخگوی شماره ۱].

"در مورد کتاب‌ها، یک‌بار در مدرسه گفتیم که سطح کتاب‌ها بالاست ولی گفتند زمان فرق

کرده، نمی‌شود که سطح کتاب‌ها مثل سابق باشد." [پاسخگوی شماره ۲].

۹-۲) اصلاح رفتارهای آموزشی و پرورشی معلمان: معلم به‌عنوان یکی از ارکان

آموزش و پرورش دارای نقش اساسی در کیفیت آموزش و در نتیجه یادگیری دارد توفیق یا شکست برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی هر نظام و هر کشوری به معلمان آن بستگی دارد. رفتارهای آموزشی معلم شامل انتخاب روش‌های مناسب تدریس و نظارت و کنترل بر کلاس و ... است که والدین نیز انتظار دارند معلمان با روش‌های تدریس فعال، کلاس درس را برای فرزندشان دل‌انگیز کنند؛ و هم‌چنین رفتارهای پرورشی معلم نقش بسزایی در پیشرفت دانش‌آموزان دارد. پرهیز از تبعیض، مقدم دانستن اهداف پرورشی در کلاس، جدیت در کار و توجه به پیشرفت بچه‌ها از جمله مواردی است که والدین انتظار دارند معلمان به این خصایص آراسته باشند تا کار تعلیم و تربیت فرزندشان به نحو احسن انجام گیرد که در زیر به چند نمونه از تجارب والدین در این زمینه اشاره می‌شود:

"وظیفه پرورشی معلم خیلی مهم است معلم باید به بچه‌ها درس اخلاق یاد بدهد مهم

این‌ها هستند. علاوه بر این وقتی معلم در کلاس دعوا یا بدرفتاری می‌کند و کتک می‌زند باعث

می‌شود بچه من بترسد، در خانه احساس می‌کنم که بچه ناراحت است چون می‌گوید مامان

نکنه تکالیفم ناقص بشه معلم مرا هم بزند." [پاسخگوی شماره ۴].

"من از همه معلمان خواهش می‌کنم که در کارهایشان جدی باشند و به خاطر پول کار

نکنند، به خاطر پیشرفت بچه‌ها کار کنند چون بچه مردم مثل بچه خود ماست. مورد دیگه هم

این‌که مثلاً دیده‌ایم بین بچه‌های پولدار و فقیر فرق می‌گذارند و بچه پولدار را تشویق می‌کنند،

که این کار را نکنند." [پاسخگوی شماره ۶].

۳-۹) ترتیب جلسات اولیا و مربیان: جلسات اولیا و مربیان، فرصتی برای پدر و مادرهاست تا با آموزگاران فرزندانشان دیدار کنند و موضوعات مرتبط با عملکرد دانش‌آموزان را بررسی کنند. انجمن اولیا و مربیان می‌تواند در پیشبرد هر چه بهتر امور آموزش و پرورش دانش‌آموزان نقش مفید و مؤثرتری داشته باشد. خصوصاً در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، همکاری اولیا و مربیان تأثیر مثبت دارد که بعضی از گفته‌های والدین در این رابطه به شرح زیر می‌باشد:

"در مدرسه سعی کنند با دعوت اولیا و با ترتیب دادن جلساتی مشکلات دانش‌آموزان را به گوش والدین برسانند یا مثلاً در جلسات به والدین گوشزد نمایند که تغذیه‌های رنگارنگ برای بچه‌هایتان نگذارید همه یک نوع تغذیه بیاورند تا بچه‌ها، پدر و مادرها را تحت فشار قرار ندهند." [پاسخگوی شماره ۲].

"همه‌هنگی را بیشتر کنند در سال فقط دو بار موقع کارنامه دادن دعوت می‌کنند که این درست نیست و جلسات باعث می‌شود والدین اشکالات خود را از معلم بپرسند. اگر والدین را جمع کنند و بگویند فلان درس را با این روش بگویید ما هم یاد می‌گیریم چون معلم رفته آموزش دیده، ولی ما از روش‌ها اطلاعی نداریم. همه‌هنگی کنند ماهی یک‌بار کلاس مشاوره بگذارند مشکلات بچه‌ها را بگویند." [پاسخگوی شماره ۴].

۴-۹) تغییر سیستم ارزشیابی: ارزشیابی توصیفی که در مدارس ابتدایی اجرا می‌شود، شکلی از ارزشیابی تحصیلی-تربیتی است که در آن معلم با استفاده از ابزارهای مختلف به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه تلاش‌ها، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های دانش‌آموزان می‌پردازد در این تحقیق والدین معایب ارزشیابی توصیفی را بیشتر از مزایای آن دانستند و دلایل خود را این‌گونه بیان کردند:

"در بین خانواده‌ها مرسوم است که می‌پرسند چند تا بیست داری وقتی بچه می‌گوید هیچی، می‌گویند بیست نداری؟ بچه فکر می‌کند زیر صفر است. کلاً سیستم نمره دهی سابق خوب بود. اگر نمره باشد آدم می‌فهمد که بچه بیست گرفته یا هیچ‌جاده گرفته. ولی در این سیستم نمی‌فهمیم که بچه در کدام درس افت کرده است." [پاسخگوی شماره ۴].

"از وقتی نمره را برداشته‌اند معلمان از بچه‌ها کار نمی‌کشند و فقط به فکر پر کردن پوشه هستند تا به اداره بگویند ما در پوشه ناقص نداریم." [پاسخگوی شماره ۵].

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه کشف و توصیف تجربیات والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تبریز از مشارکت در امر تحصیل فرزندانشان بود که منجر به استخراج مضامین اصلی ۱- دلایل اهمیت تحصیل، ۲- شرایط و امکانات، ۳- روش‌های آموزشی والدین، ۴- مشکل‌آفرینی در زندگی، ۵- دلایل مشکلات از دیدگاه والدین، ۶- تأثیر مثبت همکاری روی فرزندان، ۷- معایب همکاری والدین، ۸- راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات، ۹- پیشنهادهاى والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه گردید. مضامین استخراج‌شده از تجربیات والدین با مدل مشارکت «از خانه به مدرسه» در پیوستار مدل‌های ارائه‌شده توسط ایشیتین و ساندرس (به نقل از فیزگرا، ۲۰۰۴) انطباق بیشتری دارد. این مدل به اهمیت خانواده تأکید دارد اما ارتباط در آن یک‌طرفه است و فرض بر این است که والدین تصمیمات مدرسه را پذیرفته‌اند. امروزه والدین در فعالیت‌های زیادی با کودکانشان مشارکت دارند. این فعالیت‌ها شامل: انجام پروژه‌های مدرسه‌ای، درست کردن وسایل، بازی فوتبال و کتاب خواندن می‌باشد. در سال‌های اخیر این قبیل مشارکت‌ها بیشتر شده است برای مثال اُبرین و شمیل^۱ (۲۰۰۳) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت والدین به‌خصوص با کودکان زیر ۵ سال از دهه ۱۹۷۰ افزایش یافته است.

بر اساس تجربیات مشارکت‌کنندگان این مطالعه، مهم‌ترین دلایل مشارکت و انگیزه والدین، کمک به بهبود آینده تحصیلی و شغلی و همچنین دانا و توانا بار آوردن فرزندان، می‌باشد و به همین خاطر والدین وقت بیشتری را برای رسیدگی به تکالیف فرزندان صرف می‌کنند. نگاه والدین امروزی به آینده فرزندانشان، متفاوت از دیدگاه‌های گذشته است، نگرانی از آینده فرزندان ذهن والدین را به خود مشغول کرده و از آن‌ها افرادی نگران اما مسئول در برابر فردای فرزندانشان ساخته است. اغلب والدین امروزی شبانه‌روز خود را وقف فرزندان می‌کنند و تمام دغدغه‌های ذهنی‌شان بعد از شرایط مالی معطوف نیازها و توقعات آن‌هاست. آن‌ها با سعی در ایجاد شرایط مطلوب، رفاه کامل و تأمین نیازهای فرزندان، در پی یافتن امنیتی نسبی برای آینده فرزندان خود هستند (کفایی، ۱۳۸۶).

دومین یافته این مطالعه، شرایط و امکانات در نظر گرفته‌شده برای تحصیل فرزندان

1- O' Brien & Shemilt

می‌باشد که برطرف کردن نیازهای کودکان در رأس همه فعالیت‌ها قرار دارد. انتظار به‌حق از معلمان و والدین چنین است که هر آنچه در توان دارند مبذول دارند تا اینکه نیازهای کودکان تأمین گردد و آن‌ها رغبت و انگیزه تلاش را بیابند. درواقع زمانی شاگردان یک کلاس آماده دانستن و یادگرفتن می‌شوند که از نظر تأمین نیازهای زیستی مسئله‌ای نداشته باشند (افروز، ۱۳۸۸). از طرف دیگر والدین محیط امن و آرام و امکانات و وسایل مربوط به درس اعم از کتاب‌های کمک‌درسی، سی‌دی‌های آموزشی و ... را تدارک می‌بینند و بیشتر والدین ادعا می‌کنند ساعت آموزش مدرسه کم است و توان یادگیری همه بچه‌ها برابر نیست و بعضی‌ها نیاز به تمرین بیشتری دارند بنابراین نیاز به معلم خصوصی در فصل امتحانات و کنکور برای گرفتن نتیجه بهتر، بیشتر احساس می‌شود که این خود باعث بروز مشکلات مالی و افزایش هزینه‌ها می‌گردد که در مضمون ۴ به این مشکلات اشاره شد.

یکی دیگر از مضمون‌های پدیدار شده از تجربیات والدین روش‌های آموزشی آنان در جهت تفهیم مطالب به فرزندانشان می‌باشد. از این روش‌ها فراوان استفاده می‌شود که والدین مستقیماً به آموزش مجدد مطالب درسی در خانه می‌پردازند. در رابطه با این مضمون اکثریت والدین تأکید بر تأثیر زبان مادری در یادگیری داشتند و معتقدند که تمام کودکان ایرانی در هر زبان که باشند به محض ورود به مدرسه خود را با زبان رسمی آموزشی و پرورشی مواجه می‌بینند در مدرسه بدون توجه به این‌که تا چه حد با زبان فارسی آشنایی دارد مجبور می‌شود به زبان فارسی بخواند، بنویسد، صحبت و حتی مفهوم‌سازی و فکر کند (نوریه و گل محمدی، ۱۳۷۷). وضعیت جدیدی که کودک در آن قرار می‌گیرد تأثیر ویژه‌ای بر وی می‌گذارد. اگر کودکی در پیام‌رسانی و فهم منظور و پیغام دیگران با مشکل مواجه باشد رشد اجتماعی او به خطر می‌افتد. دوزبانگی به تضعیف ارتباط بین معلم و شاگرد منجر می‌شود و نه تنها شاگرد بلکه معلم را هم در ناراحتی و شرایط دشواری قرار می‌دهد. در صورت نفهمیدن مطلب، این دانش‌آموزان به دلیل کم‌رویی و احساس شرم، احتمال کم‌تری وجود دارد که پرسش خود را مطرح کنند و جویای حل مشکل خود شوند که نتیجه‌ی طبیعی، افت تحصیلی خواهد بود (همان). نتایج پژوهش‌های حسینی (۱۳۷۱) و عصاره (۱۳۸۷) در تبیین دوزبانگی و مشکلات آن، اعم از مشکلات درکی و شنیداری با تجارب والدین در این زمینه همسویی دارد. همچنین روش دیگر والدین برای کمک به فرزندان استفاده از روش پرسش و پاسخ برای تمرین و

تکرار است که به‌منظور تسلط فرزندان بر محتوا صورت می‌گیرد. به‌طور طبیعی انتظار بر این است که در این روش‌ها، قدرت تحلیل و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پرورش نمی‌یابد و این روش کنجکاوی، نوآوری و خلاقیت دانش‌آموز را بر نمی‌انگیزد. شایگان (۱۳۸۸) در پژوهش خود، در رابطه با عوامل مؤثر بر خواب‌آلودگی دانشجویان در کلاس درس به این نتیجه دست‌یافت که روش پرسش و پاسخ و حفظ و تکرار موجب خستگی و خواب‌آلودگی دانشجویان می‌شود. به همین جهت باید والدین نیز در روش‌های آموزشی خود تجدیدنظر کرده و با روش‌های فعال دیگر یادگیری مطالب را برای فرزندانشان دل‌چسب نمایند. چهارمین یافته این مطالعه، مشکل‌آفرینی در زندگی می‌باشد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکلات ایجادشده برای والدین در سایه تحصیل فرزندان، مختل شدن کارهای روزانه (مختل شدن وظایف پایه والدین)، تأثیر در روابط خانوادگی و زناشویی، مشکلات روحی و روانی، مشکلات مالی و اختلال در اوقات فراغت می‌باشد. گاه خانواده با بعضی از مراحل رشد و تحول خود خوب روبرو می‌شوند اما در مسائل دیگر، مشکل‌دارند (بارکر، ۱۹۸۶ ترجمه دهقانی، ۱۳۷۵)؛ برای مثال تحول خانواده ممکن است تا زمان ورود فرزند به مدرسه بدون مسئله پیش برود ولی با شروع تحصیل فرزندان مسائلی برای خانواده‌ها پیش می‌آید که چرخه زندگی را دچار مشکل می‌سازد. با ورود فرزندان به مدرسه، نقش‌های جدیدی در خانه به وجود می‌آید که والدین باید آن‌ها را ایفا کنند، این نقش‌ها به شیوه رسمی تخصیص نمی‌یابند بلکه بیشتر، به‌صورت الگوهای عادت‌ی برای اعضای خانواده درمی‌آیند. نقش‌های جدید باعث کم‌رنگ شدن سایر نقش‌ها برای اعضا شده و مشکلاتی را در انجام سایر وظایف به وجود می‌آورد (همان). چون والدین امروزی حساسیت زیادی درباره درس خواندن و پیشرفت تحصیلی فرزندانشان نشان می‌دهند و خانواده‌هایی که فرزندان باهوش و درس‌خوانی دارند سعی می‌کنند از تهیه هیچ نوع امکاناتی دریغ نکنند و خانواده‌هایی که فرزندانشان به هر دلیل اهل درس و مدرسه نیست برای جبران کمبودهای انگیزشی، به‌ناچار پول خرج کردن برای معلم خصوصی و آموزشگاه و انواع و اقسام کتاب‌ها را ساده‌ترین راه می‌پندارند (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶). به این خاطر در این تحقیق بیشتر والدین از هزینه‌های تحصیل ناراضی بودند و آن را معضلی در راه هدایت فرزندشان به سوی علم و کمال می‌دانستند.

از دیگر یافته‌های این مطالعه، دلایل مشکلات از دیدگاه والدین می‌باشد که والدین بالا بودن سطح علمی کتاب‌ها را به‌عنوان دلیل مشکلات بیان کردند. هرچند در نظام‌های آموزشی متمرکز، محتوا و به‌تبع آن کتاب درسی، نقش مهم و محوری دارد و عدم توجه به برخی معیارهای اساسی مانند توجه محتوا به نیازها و علایق فراگیران، خسارات جبران‌ناپذیری به فرایندهای آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان وارد می‌کند که جبران این خسارت‌ها، کاری بس دشوارتر می‌باشد (لوی، ۱۹۲۳ ترجمه مشایخ، ۱۳۸۳) ولی یادگیری یک فرایندی است که در این فرایند عوامل و متغیرهایی در حال تعامل‌اند، نوع و شدت تعاملات، تغییرات گوناگونی را به دنبال می‌آورد بنابراین این امکان وجود دارد که عدم ایجاد جو مناسب و فضای راحت در کلاس، عدم توجه به علایق دانش‌آموزان، عدم انتخاب روش تدریس مناسب یا عدم سازمان‌دهی مناسب کلاس و ... باعث کند شدن روند یادگیری شده است و نمی‌توان گفت بالا بودن سطح علمی کتاب‌ها، تنها دلیل به وجود آورنده مشکلات برای دانش‌آموزان و والدین آن‌ها می‌باشد. پس برای یافتن علل مشکلات، باید همه جوانب را به‌صورت کامل بررسی و تحقیق کرد.

از دیگر مضامین فرعی پدیدار شده، از تجارب والدین در رابطه با دلایل مشکلات ایجادشده برای خانواده‌ها، ناکارآمدی معلمان عنوان‌شده است. از آنجایی‌که متغیرها و عوامل مختلفی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند ولی نقش عوامل درون مدرسه‌ای از جمله روش تدریس معلمان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، توجه بسیاری از افراد را به خود معطوف کرده است. بدون تردید هیچ فردی به‌اندازه معلم نمی‌تواند تأثیر بیشتری بر آنچه در مدرسه می‌گذرد داشته باشد. معلم می‌تواند تعلیم و تربیت را به فرایند توأم با لذت و کامیابی یا فرایند بی‌ثمر تبدیل کند (گیج، ۱۹۹۴ ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۷۹). با این حال باید اذعان نمود عملکرد معلم نیز تابعی از متغیرهای متعددی از جمله برنامه‌های درسی، مدیریت مدرسه، شرایط اجتماعی و اقتصادی، رضایت شغلی معلمان و حتی شرایط خانوادگی حاکم بر تربیت کودکان است. در این راستا عقیده شواب بر این است که هر موقعیت می‌تواند بر اساس ۴ نقطه مشترک (معلم، دانش‌آموز، ماده‌ی درسی و موقعیت) به وجود آید. شواب معتقد است برنامه درسی حاصل تعامل و تلاقی بخش‌های مختلف است که برهم‌کنش و واکنش دارند و در برنامه درسی باید همه این ابعاد

مدنظر قرار گیرد تا یافته‌ها قابل دفاع شود (خاکباز، ۱۳۸۹)؛ اما آخرین مضمون فرعی استخراج شده از دلایل مشکلات، چشم و هم‌چشمی والدین می‌باشد. هر کودکی که پا به این جهان می‌گذارد استعداد‌های مختلفی در زمینه‌ی یا زمینه‌های مختلف دارد و والدین باید تلاش کنند تا این استعدادها، شناسایی و شکوفا شوند درحالی‌که برخی از خانواده‌ها هیچ توجهی به این موضوع ندارند و به‌جای کشف این استعدادها، کودکان خود را مجبور به رفتن به کلاس‌هایی مثل زبان انگلیسی، کلاس‌های خصوصی در درس ریاضی، علوم و ... و شرکت در آزمون‌های مختلف برای قبولی در مدارس تیزهوشان و کنکور می‌کنند که این چشم‌وهم‌چشمی و انتظارات نابجا هم والدین و هم فرزندان را با مشکلاتی مواجه می‌کند (آراسته، ۱۳۹۲). از دیگر یافته‌های این مطالعه، تأثیر مثبت همکاری روی فرزندان می‌باشد. اکثر والدین عمیق شدن یادگیری و افزایش خودکارآمدی فرزندان را از نتایج مثبت همکاری تلقی کردند. تعامل والدین با مسائل مدرسه‌ای علی‌رغم نوع و شکل آن، رابطه مثبتی با پیشرفت دانش‌آموزان دارد به‌عنوان مثال توجه به موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، برقرار نمودن رابطه نزدیک با مدرسه از سوی والدین، به رشد انگیزش و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان کمک می‌کند. دانش‌آموزان در صورتی می‌توانند به احساس شایستگی و خودکارآمدی برسند که اطرافیان آن‌ها، حمایت مثبت و روابط کیفی را در حد لزوم برای آن‌ها فراهم کنند (باربارا مک کومبز و جیمز پاپ، ۲۰۰۲ ترجمه ابراهیمی قوام، ۱۳۸۳). از طرفی رابطه مثبت و مستقیم انگیزش، احساس شایستگی و خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی اثبات شده است (همان منبع). همچنین ادراک دانش‌آموزان از روابط حمایتی والدین و معلمین به‌صورت معناداری انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند (ونتزل^۱، ۱۹۹۸)؛ بنابراین والدین باید شرایط را طوری برنامه‌ریزی کنند که در آن به دانش‌آموزان ارزش و اهمیت بیشتری داده شود و نیازهای آنان مهم تلقی شود تا احساس کنند که موردپذیرش و توجه دیگران هستند.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه، معایب همکاری والدین می‌باشد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که همکاری والدین علاوه بر تأثیرات مثبت برای خود و فرزندان، تأثیرات منفی نیز به دنبال دارد که در این تحقیق اکثر والدین، وابستگی فرزندان به والدین و دل‌زده شدن از درس

1- Wentzel

به خاطر فشار بیشتر را از معایب همکاری خود ذکر کردند. یکی از دلایل عمده افت تحصیلی مخصوصاً در دانش‌آموزان دوران دبستان وابستگی آن‌ها به والدین است. مثلاً وابستگی‌ای که در دوران ابتدایی بین والدین و فرزندان شکل می‌گیرد و وقتی آن نیروی کمکی به هر شکلی یا علتی نتواند دیگر به آن‌ها کمک کند آن وقت زمینه افت تحصیلی در کودک به وجود می‌آید. از آنجا که وابستگی به‌مرورزمان شکل می‌گیرد قطع وابستگی نیز باید در طول زمان صورت بگیرد. کودک باید روزی روی پای خود بایستد و بتواند تکالیفش را به‌تنهایی انجام دهد، ولی عادت دادن او به این‌که همیشه کسی، دوستی یا قوم‌وخویشی است که در دروس مدرسه به آن‌ها کمک کند این تفکر که همیشه کسی برای تکیه کردن وجود دارد را در ذهن او تقویت می‌کند و سرانجام با از بین رفتن این تکیه‌گاه تحصیلی نشانه‌های افت تحصیلی در کارنامه دانش‌آموز جلب توجه می‌کند (شریفی، ۱۳۶۹).

راهکارهای والدین برای جلوگیری از مشکلات هشتمین مضمون اصلی استخراج شده از تجربیات والدین است. اکثریت والدین برای جلوگیری از مشکلات، جلب رضایت فرزندان و افزایش صبر و تحمل را به‌عنوان راهکارهای مناسب و مفید مطرح کردند. استفاده از تقویت و پاداش باعث جلب رضایت کودک می‌شود و پیشرفت وی را به دنبال دارد از طرف دیگر راهنمایی کودک به‌جای تنبیه، از راهکارهایی است که تأثیر زیادی در رشد و پیشرفت تحصیلی او دارد.

آخرین یافته این مطالعه، پیشنهادهای والدین برای افزایش کارایی و اثربخشی مدرسه می‌باشد. تحلیل یافته‌ها نشان داد که عمده پیشنهاد والدین تغییر سیستم ارزشیابی است و هم‌چنین والدین، ترتیب جلسات اولیا و مربیان و اصلاح رفتارهای معلمان را برای افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های مدرسه ضروری می‌دانستند. در این پژوهش، والدین از سیستم ارزشیابی دوره ابتدایی چندان رضایت نداشتند. طرح ارزشیابی توصیفی یکی از نوآوری‌های آموزشی است که در دهه ۸۰ به همت سیاست‌گذاران نظام آموزشی و گروه زیادی از مدیران و معلمان مقطع دبستان ارائه شد. هدف اساسی ارزشیابی کیفی توصیفی، بهبود کیفیت یادگیری و ارتقاء سطح بهداشت روانی محیط یاددهی - یادگیری است (خوش‌خلق و شریفی، ۱۳۸۵). بسیاری از والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به دلایل مختلف، نگران تحصیل فرزندان خود با این شیوه تحصیلی هستند و از جمله دغدغه‌هایی که با معلم در میان می‌گذارند عدم تکرار پایه

تحصیلی، حذف نمره و در نتیجه کاهش انگیزه یادگیری است. والدین اظهار می‌دارند که آموزش سنتی شیوه‌ای جاافتاده در فضای تعلیم و تربیت کشور بود و تدریس به شیوه ارزشیابی توصیفی در مقطع ابتدایی که پایه تحصیلی به شمار می‌رود تا حدودی برای آن‌ها نامطمئن و ناآشناست. آنان حذف نمره را موجب برچیده شدن بساط ارزشیابی از کلاس‌ها برمی‌شمارند و اظهار می‌کنند در شیوه ارزشیابی توصیفی، مراقبت و نظارتی در جریان یادگیری دانش‌آموزان وجود ندارد و دانش‌آموزان به حال خود رها می‌شوند. تعدادی از والدین چنین عنوان می‌کنند به علت این‌که نمره اهمیت ندارد حس رقابت از بین می‌رود و دانش‌آموزان به مرور انگیزه‌ی خود را از دست می‌دهند و چون مدارک مشخصی برای ارزشیابی وجود ندارد می‌تواند فضای مناسبی برای معلمان باری به هر جهت و بی‌انگیزه فراهم کند تا با خونسردی و بی‌خیالی فقط در کلاس وقت بگذرانند، چراکه هیچ‌گونه مدرکی مبنی بر چگونگی کیفیت آموزشی آن‌ها موجود نیست.

پیشنهادها

- ۱- برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده با عنوان تأثیر مشارکت اولیا در ارتقاء فرایند آموزشی و تربیتی فرزندان.
- ۲- برگزاری جلساتی در مدرسه برای آگاهی از مسائل و مشکلات والدین و انعکاس آن به مسئولان ذی‌ربط.
- ۳- برگزاری کارگاه‌هایی جهت آشنایی والدین با روش‌های صحیح آموزش.
- ۴- برگزاری دوره‌های قبل از خدمت و ضمن خدمت برای معلمان جهت آماده کردن آن‌ها برای انجام مطلوب وظایف و مسئولیت‌های شغل معلمی و روزآمد کردن اطلاعات آن‌ها.
- ۵- بررسی کامل همه جوانب (اعم از نقش والدین، معلم و مدرسه) برای یافتن علل مشکلات و عدم بررسی تک‌بعدی مسئله.

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق کیفی. انتشارات بشری
- افروز، غلام علی (۱۳۸۸). ضرورت ارزیابی مستمر از تأمین نیازهای اساسی و بهداشت روانی دانش‌آموزان، نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، شماره ۴۰، ۶-۱۹.
- ایمانی، محسن (۱۳۸۲). ارائه‌شده در جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲). خانواده و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- آراسته، لعیا (۱۳۹۲). فراموشی استعدادهای کودکان در سایه اجبار و چشم‌وهم‌چشمی والدین. خبرگزاری مهر. (۱۳۹۲/۰۴/۱۵). از <http://www.mehrnews.com>
- باربارا مک کومبز- جیمز پاپ (۱۳۸۳). پرورش انگیزه در دانش‌آموزان. ترجمه ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۸۳). تهران: انتشارات رشد.
- بارکر، فلیپ (۱۳۷۵). خانواده درمانی پایه. ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی (۱۳۷۵)، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- بلاغت، سیدرضا؛ هاشمی، سیداحمد؛ بهمنی، مصطفی (۱۳۹۱). والدین و آموزش و پرورش (مشارکت والدین در مدارس). انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسینی، میرقادر (۱۳۷۱). بررسی علل و عوامل افت تحصیلی، مرکز تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش تبریز.
- خاکباز، عظیمه سادات (۱۳۸۹). گروه مطالعاتی برنامه درسی، شواب و عمل فکورانه. انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، شماره ۲، ۱۰-۷.
- خوش خلق، ایرج؛ شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۵). ارزشیابی اجرای آزمایشی ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی برخی از مناطق آموزشی کشور (۸۵-۱۳۸۴). فصلنامه تعلیم و تربیت. صص ۱۴۷-۱۱۷.
- روزنامه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶). نقش خانواده در یادگیری دانش‌آموزان، اسفند ماه.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر خواب آلودگی دانشجویان در کلاس درس. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره سوم، ۳۶۲-۳۴۲.

شریفی، حسن پاشا (۱۳۶۹). *افت تحصیلی در آموزش ابتدایی، علل و راههای برخورد آن*. مجله رشد معلم. ۷۴. ۲۹-۳۳.

صلصالی، م و همکاران (۱۳۸۲). *روش‌های پژوهش کیفی*. انتشارات بشری، تهران.
گیج، ان، ال (۱۳۷۹). *مبانی علمی هنر تدریس*، ترجمه محمود مهرمحمدی (۱۳۷۹). تهران: انتشارات مدرسه.

کفایی، سیامک (۱۳۸۶). *نظرسنجی نگاه والدین نسبت به آینده فرزندان. آینده فرزندان: علم یا ثروت*. روزنامه همشهری آنلاین. (۱۳۹۲/۰۵/۱۸). از

<http://www.hamshahrionline.ir>.

لوی، الف. (۱۹۲۳). *برنامه‌ریزی درسی مدارس*. ترجمه فریده مشایخ (۱۳۸۳). چاپ دوم، انتشارات: مدرسه.

وفادار، صداقت و جوان‌بخت اول، جعفر (۱۳۸۳). *انجمن اولیا و مربیان، ساختار، وظایف و مسئولیت‌ها*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.

Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Levin, S. (1978). The McMaster model of family functioning. *Journal of Marriage and Family Counselling*, 4, 19-31.

Fitzgerald, D. (2004). Parent Partnership in the Early Years. *London: Continuum*.

Hoover-Dempsey, K. H., & Sandler, H. M. (1997). Why do parents become involved in their children's education? *Review of Educational Research*, 67 (1), 3-420.

Steinhauer, P. D., Santa-Barbara, J., & Skinner, H. (1984). The process model of family functioning. *Canadian Journal of Psychiatry*, 29, 77-88.

Stern, J. (2003). *Involving Parents*. London: Continuum.

Wentzel, K. R. (1998). Social Support and Adjustment in Middle School: The Role of Parents, Teachers, and Peers. *Journal of Educational Psychology*, 90, 202-209.